

اکثر آن‌ها حتی پس از استقلال نیز به واسطه‌ی عقب‌ماندگی سهم‌چندانی در آلاینده‌ی زمین نداشتند. هم‌چنین در مذاکرات پیرامون حل مشکل تغییرات اقلیمی، همیشه بر مسئولیت تاریخی کشورهای توسعه‌یافته تأکید داشتند. این اختلاف بین شمال و جنوب در پروتکل کیوتو به سال ۱۹۹۷ تجلی یافت، و مقرر شد در قالب این رژیم فقط کشورهای توسعه‌یافته باید از حجم گازهای گل‌خانه‌ای خود بکاهند؛ تا حق توسعه برای کشورهای جنوب محفوظ بماند. اما این روش یک اشکال اساسی داشت؛ منطقی نبود که برخی کشورها سلامت زمین را به خطر اندازند، صرفاً با این توجیه که دیگران نیز در گذشته چنین کرده‌اند. نکته‌ی مهم آن‌است که در قالب رژیم کیوتو فقط تعداد اندکی از کشورها در طبقه‌بندی توسعه‌یافته‌ها قرار گرفتند، و ملزم شدند که نشر گازهای گل‌خانه‌ای خود را کاهش دهند. و عمده کشورهای جهان در طبقه‌ی دیگر یعنی کشورهای در حال توسعه قرار گرفتند و خود را برای هر میزان نشر گازهای گل‌خانه‌ای آزاد می‌دانستند. این تفاوت‌گذاری جزء قواعد رژیم کیوتو بود و در نهایت نیز همین تفاوت‌گذاری باعث شد، آمریکا به عنوان بزرگ‌ترین نشردهنده گازهای گل‌خانه‌ای آن دوران رژیم کیوتو را منصفانه نداند و از آن خارج شود. خروج آمریکا از این پیمان، به برخی دیگر از کشورها نیز تسری پیدا کرد و آن‌ها یا از پیمان خارج شدند و یا حاضر نشدند برای مرحله‌ی دوم پیمان کیوتو الزامی را بپذیرند. آمریکا با خروج از کیوتو به جمع‌کنندگی از آلوده‌کننده‌ترین کشورهای جهان پیوست، که منعی برای نشر گازهای گل‌خانه‌ای نداشتند. ناگفته پیداست رژیم‌ی که نشردهندگان اصلی گازهای گل‌خانه‌ای را در شمول خود نداشته باشد، نمی‌تواند مشکل گرمایش زمین را حل کند و محکوم به شکست خواهد بود.

در واقع علت اصلی شکست پیمان کیوتو عدم مشارکت کافی کشورها بود و آمریکا و برخی دیگر از کشورها که از کیوتو خارج شدند، این مشکل را تشدید کردند. اما علی‌رغم همه‌ی این مشکلات از آنجاکه جامعه‌ی جهانی چاره‌ای غیر از عملیاتی شدن این پروتکل پیش‌روی خود نمی‌دید، تا سال ۲۰۰۹ تلاش کرد که آن را اجرایی کند. اما در سال ۲۰۰۹ پس از بی‌نتیجه ماندن نشست کپنهاگ جهان به